

## تاریخچه مختصر تحقیق و نشر شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی در تاجیکستان

ظاهر احرازى



حکیم زبر دست دانای توس

به نامش سخن می زند طبل و کوس

ادیب سخن پرور فارسی

که بگشود بر ما در فارسی

ز طبعش سخن رونق تازه یافت

زبان دری قدر و اندازه یافت

در انشاء شاهنامه اعجاز کرد

برای سخنگو دری باز کرد

نه شهنامه گنجیست از علم و فن

که رانده است در وی زهر در سخن

نه تنها در او حرف شاهان بود

شرفنامه جمله ایران بود



چه سرمایه بهتر از این دولت است  
 کز او در تمام جهان شهرت است  
 ز دورش اگر رفته سالی هزار  
 بود نام او زنده در روزگار

در حقیقت شهرت و محبوبیت شاهنامه، این گنج بزرگ علم و ادبیات، این شرفنامه ایران و ایرانی نژادان و نام گوینده آن «حکیم زبر دست دانای توس» حکیم ابوالقاسم فردوسی عصر ماست که از قلمرو ایران زمین به در رفته سراسر جهان را فرا گرفته است. این کتاب از سلسله آن شاهکارهای بی نظیر ادبیات و زبان ناب دری است که قرن‌ها در آغوش اخلاص و اعتقاد وارثان از آسیب دود و آتش جنگ و کشمکش‌های جاه طلبانه از گزند حوادث روزگاران محفوظ مانده است، نسخه‌هایش در کتابخانه‌های ممالک مختلف جهان و اشخاص گوناگون نگاه داشته می‌شود.

شاهنامه چون کتاب دوست داشت خلق میان اکثر ملیتها، اقوام و قبایل جهان ارج و شایستگی خاصی پیدا نموده است، دامنه نفوذ شهرت، محبوبیت و اهمیت و نیروی عظیم جذابیت آن، روز از روز بیشتر گسترش می‌یابد.

از این جاست که توجه نمایندگان مردمان مختلف و دانشمندان کانونهای علمی را جلب نموده در باب بسیار مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شاهنامه رساله و مقاله‌های فراوان علمی و عاموی تألیف شده داستانهای جداگانه آن به زبانهای متعددی ترجمه و نشر گردیده است. حتی گامهایی در راه نشر کامل شاهنامه برداشته‌اند که سزاوار تحسین می‌باشد. در تاجیکستان که در حقیقت، شاهنامه وطن ثانی اوست در باره فردوسی و شاهنامه رساله‌های علمی و تحقیقاتی، مقالات علمی و عامری فراوان به نشر رسیده، منتخب شاهنامه و داستانهای جداگانه او به



خط لاتینی و کریل نشر گردیده در خدمت خوانندگان قرار گرفته است. ما چون امکان تحلیل و ارزیابی تمام کارهای تحقیقاتی و علمی و چگونگی نشرهای شاهنامه در تاجیکستان را در یک مقاله نداریم، به طرز فشرده به ذکر بعضی از رساله و مقاله و نشرهای کتاب اکتفا می‌ورزیم.

در ادبیات‌شناسی تاجیک مقاله‌های دانشمندان عبدالرئوف فطرت: فردوسی، زمان و محیط او، استاد عینی: درباره فردوسی و شاهنامه او - این اثر در جلد دوم کلیات آثار استاد به نشر رسید. نخستین شکوفه‌های تحقیقات راجع به فردوسی و شاهنامه بودند. این مقاله‌ها هنوز سال ۱۹۳۴ م در مجله‌ای با عنوان برای ادبیات سوسیالیستی به چاپ رسیدند. همان سال تألیفات عالمان: الف. ن. بولدروف و رحیم هاشم به مناسبت هزارمین سال تولد فردوسی در شاهنامه ذکر شده چاپ شد. سال ۱۹۳۴ م که سال تجلیل از هزاره فردوسی بود در زبانهای تاجیکی و روسی نیز راجع به این ابرمرد عالم سخن، مقاله‌ها و رسالات و گزارشهای متعددی در مطبوعات به طبع رسید. بعدتر این کار ادامه پیدا کرد و موضوع مقاله‌های گوناگون گردید و گسترش پیدا کرد.

مقاله‌های طبع شده عبارتند از الف. اکرم‌اف: شاهنامه‌های منشور مردمی و شاهنامه خوانها،

س. اکبراف: راجع به بعضی واحدهای لغوی شاهنامه فردوسی  
شادروان شادی اسراراف: انسان از نظر فردوسی از تاریخ پیدایش و تحولات اساطیر سیاوش  
واحد اسراری: خلق و ادبیات

جانان بابا کلاناوا: درباره هجونامه مشهور فردوسی به محمود غزنوی  
وسیمای جاوید مقایسه بعضی پهلوهای سیمای رودابه و



## جولیای تالی شکسپیر

قربان واسع: فردوسی و آیین جوانمردی

م. عزیزاف و س. موسی اف: شاهنامه و ختلان

یوسف اکبراف: تحولات داستان و مناظر پیرامون آن (راجع به ساخت و وزن شاهنامه)

م. علی زاده: سخنی چند درباره لغات شاهنامه فردوسی

شاد اسراراف: قدر سخن از نظر فردوسی

م. قاسم اف: موضوع و سیمای شاهنامه در نظم سالهای جنگ

س. حلیم اف: نقش فردوسی در انکشاف زبان ادبی تاجیک

سرکاراف: تصویر اسب در شاهنامه فردوسی

او. طاهراف: زمینه های پیدایش قصیده تاجیک (مختصر راجع به اشعار

شبه به قصیده در شاهنامه نقل کرده می شود)

س. ملاچه اف: ذکر نام اسبابهای موسیقی حربی در شاهنامه فردوسی

(این هم از همان سلسله مقالاتی است که در بالا اشاره کردیم)

احمد عبدالله اف: فردوسی و سلطان محمود، سخن از هجویه و مدحیه

شاعر به عنوان شاه. اخبارات فرهنگستان علوم تاجیکستان، شعبه فنهای

جمعیتی، دوشنبه ۱۹۷۳

الف. عبدالمنانف: تناسب عناصر رماتیکی و رالیستی: تمایل به عناصر

رالیستی در شاهنامه فردوسی.

صدای شرق، شماره ۱۲، ۱۹۷۹، کمال عینی، ظاهر احراری: درباره

شاهنامه، نسخه های اساسی و نشرهای کامل آن

فردوسی: شاهنامه جلد اول، دوشنبه، ۱۹۸۷،

خورشیده آته خانوا: بعضی میلهای مترقی و انعکاس شورشهای مردمی

در شاهنامه.



مجله شرق سرخ، شماره ۵، ۱۹۵۶، الف. اشان جانف: سوژه خسرو پرویز در اثرهای فردوسی و نظامی، شرق سرخ، شماره‌های ۴ و ۵، ۱۹۴۶

کمال عینی: بیژن و منیژه،

مختصر درباره داستان، دایرةالمعارف شوروی تاجیکستان، جلد اول، ۱۹۸۸ م.

خورشیده آته خان او: ابوالقاسم فردوسی، استالین آباد ۱۹۶۰ م. در کتابهای تاریخ ادبیات فارسی و تاجیک و تاریخ ادبیات تاجیک بابهای جداگانه‌ای به فردوسی، زمان زندگی، روزگار، آثار و اندیشه‌های او در شاهنامه نهایت مقام والا و ارجمند آن در تاریخ ادبیات مابخشیده شده است.

در ادبیات فارسی و تاجیک در نیمه اول قرن یازدهم، در بخش دایره ادبی غزنی، مؤلف احمد عبدالله اف، کتاب خالق میرزازاده تاریخ ادبیات تاجیک همچنین در کتاب درسی شریف جان حسین زاده ادبیات تاجیک و تألیفات دانشمندانی چون: الف. ی. بولدروف - ک. ص. عینی، الف. میزایف، س. تاجی الدینف - راجع به مسائل مختلف شاهنامه، از جمله شاهنامه فردوسی و دیگر شاهنامه‌ها، شاهنامه و انعکاس مسائل قرن دهم، غایه‌های اساسی شاهنامه، تمایل خلق و اشرافیت در شاهنامه، تحلیل داستانهایی چون کاوه و ضحاک، داستان رستم و سهراب، عقیده‌های اجتماعی فردوسی، جهان‌بینی شاعر سیمای شاهنامه، سیمای زنان در شاهنامه، سیمای سران و پیشوایان مردم چون: کاوه، مزدک، سیمای اساطیری و رمزی در شاهنامه، هنر و مهارت فردوسی، مقام شاهنامه و امثال این سخن رفته و از سرچشمه‌های علمی و ادبی و خود شاهنامه بررسی و ارزیابی شده است.



در آثار تاریخی، چون تاریخ مختصر خلن تاجیک در نشرهای من بعده بسیار جلدی این کتاب در بابهای بیان حیات علمی و مدنی قرن ده درباره فردوسی نیز توقف شده است. در کتاب تاجیکان باباجان غفوراف در چهارده بخش، به مناسبت‌های گوناگون از فردوسی و شاهنامه، مقام والای فردوسی در محیط فرهنگی زمان و دوره‌های من بعده، تأثیر شاهنامه و اندیشه‌های شاعر، سخن رفته است. علاوه بر این در مجموعه‌های جداگانه علمی، کتابهای دیگر دانشمندان تاجیک از فردوسی و شاهنامه او ذکر خیر کرده‌اند. مثلاً در سیزده مقاله استاد عبدالغنی میرزایف که از تاریخ ادبیات قرنهای ده تا پانزده سخن می‌رود، در چندین جای مناسب در باره شاهنامه سخن به میان آمده است. بویژه هنگام بررسی موضوع علم و دانش در نظر قرن ده و قسمت بررسی کلیله و دمنه بی واسطه به شاهنامه رو آورده می‌شود.

در جلد دو اثرهای منتخب زبان‌شناسی، دانشمند تاجیک شادروان ناصر جان معصومی، درباره فردوسی و نقش او در رشد و تکامل زبان و ادبیات تاجیک معلومات سودمند داده است.

دانشمند ادبیات، خالق میرزا زاده در مجموعه ملاحظه‌ها در باره ادبیات پیرامون مسئله غایه‌های دهقانی و فتودالی اشرافی فردوسی، بحث می‌کند. از بین همه کارهایی که در باره شاهنامه فردوسی در تاجیکستان انجام یافته است، رساله دکتر فلسفه، پروفیسور موسی رجب‌اف را مخصوص باید ذکر نمود. در این اثر تحقیقاتی و علمی یا دیدار نظر تازه درباره سخن سرای توانا حکیم ابرالقاسم فردوسی و شاهکار بی‌زوال او، شاهنامه، افکار و اندیشه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، فلسفی شاعر بررسی همه جانبه صورت گرفته است. در کتاب او که تحت عنوان: فردوسی و زمان، به زبان روسی چاپ شده است، جهان‌بینی



فردوسی تحقیق، تحلیل و ارزیابی صحیح علمی یافته است. مؤلف به مقصد واضحتر آشناساختن خواننده به آثار و روزگار نابغه فردوسی، به شرح تاریخچه آموزش میراث همزمانهای او امثال سینا و بیرونی نیز می‌پردازد. در مسئله وسعت بخشیدن دایره آشنای خوانندگان با این دنیای بزرگ نیز یک سلسله مقاله به طبع رسید. مقاله‌های الف. عبدالولیف در این بابت مثال برجسته خواهد بود. مؤلف نامبرده در یک چند شماره ماهنامه مکتب سویتی و دیگر مجموعه‌های تعلیمی در موضوعهای: «تعلیم داستان بیژن و منیژه فردوسی» «آموزش اندرزهای فردوسی در صنف ستوپنج» «آموزش داستان سیاوش» «درباره تعلیم داستان جنگ رستم با دیو سفید» «آموزش آثار فردوسی» و امثال آن مقاله‌ها نوشته است. نویسنده معتبر تاجیک ساتم الغزاده برای هرچه بیشتر آشنا ساختن خوانندگان با شاهنامه، این اثر جاودانی را به نثر برگردان نمود.

قسمت فردوسی در کتاب نمونه‌های ادبیات تاجیک نیز تألیف استاد الغزاده می‌باشد. بخش دیگری از تحقیقات راجع به شاهنامه، به زبان روسی تألیف شده‌اند که برای آشناساختن خوانندگان روسی زبان به آثار این سخن سرای بزرگ، حایز اهمیت ویژه می‌باشد و ما تنها چند نمونه از آنها را ذکر می‌کنیم:

الف. س. براگینسکی: از اوستا تا ستوپنج در این کتاب بخشی راجع به شاهنامه آمده است که عنوان آن «شاه کتابها و آفریننده آن فردوسی» می‌باشد.

م. زند: ادبیات تاجیک در ترجمه سیلوینسکی مجله «ادبیات تاجیکستان» ۱۹۵۱.

ن. نعمت‌اف: سوژه حماسه در هنر مردم ستوپنج و در شاهنامه فردوسی



م. ر. رجیف: فردوسی و زمان، بررسی جهان بینی فردوسی

الف. سرکاراف: موضوع خورشید در شاهنامه فردوسی

ی. الف. چساوا: شاهنامه فردوسی در ترجمه س. بانو. و غیره...

متأسفانه در بسیاری از تألیفات در باب این موضوع، کلی گویی به نظر می رسد و طبق تقاضای محفل، خصوصیت مطمئن دارند و گاه در نوشته های بعضی از نویسندگان شتاب کاری به نظر می رسد. هر چند از محسنات یک عده مقاله و رساله ها در بالا ذکر نمودیم، این همه در پایه مقام فردوسی و حماسه جاودانه او، قطره ای از بحر است. فردوسی و شاهنامه انتظار آموزش، تحقیق و تحلیل و ارزیابی دقیق علمی می باشد و ناگفته نماند که ما برای انجام این کار خیر و پر افتخار همه امکانات را در اختیار داریم.

ناگفته نماند که در برابر کارهای علمی و تحقیقاتی که درباره شاهنامه انجام پذیرفته است و ما عده ای را این جا ذکر نمودیم، باز می توان از نشر این داستان بزرگ با الفبای لاتین و فارسی و کریل نیز یاد آورد شد و از دانشمندانی چون: عینی، لاهوتی، تورسون زاده، رحیم هاشم، محمد جان رحیمی، بهرام سیروس، الغ زاده، نیز یاد آورد شد که در تهیه و نشر نمونه هایی از شاهنامه و نشر کامل داستان نیز خدمتی عالی انجام داده اند. سال ۱۹۳۴ م در شماره های ۹ و ۱۰ ماهنامه برای ادبیات سوسیالیستی از شاهنامه داستان «قباد و مزدک» چاپ شد و این جا باز نمونه ای چند از داستانهای به طبع رسیده از این حماسه جاوید را نام می بریم: الف فردوسی: داستانهای منتخب، تحت نظر رحیم هاشم، استالین آباد - لنینگراد، ۱۹۳۸ م؛ پاره ای از داستان، در کتاب نمونه های ادبیات تاجیک، استالین آباد، ۱۹۴۰ م؛ نبرد رستم با اشکبوس، در مجله برای ادبیات سوسیالیستی شماره ۷ سال ۱۹۳۴ م؛ فردوسی: داستانها از



شاهنامه، دو جلد، دوشنبه ۱۹۵۵ م؛ فردوسی شاهنامه: داستان رستم و سهراب بامقدمه الف. برتلس. استالین آباد - لنینگراد ۱۹۴۰ م، داستان بهرام چوبینه، با سرسخن الف. برتلس، لنینگراد ۱۹۴۰ م؛ داستانهای شاهنامه دو جلد دوشنبه ۱۹۷۶ م مرتب ساتم الغزاده؛ فردوسی: شه پیتهای شاهنامه، دوشنبه ۱۹۸۸ م، مرتب شادی اسرار و غیره...

اگر از تمام داستانهای شاهنامه که در نشریه‌های مختلف جمهوری به طبع رسیده‌اند این جا ذکر نمایم سخن به درازا خواهد کشید و باید متذکر از نمونه یک کار با ثواب تاریخی شد که آن هم تصمیم پژوهشگاه خاور شناسی فرهنگستان علوم تاجیکستان درباره نشر کامل شاهنامه در سال ۱۹۵۷ م است و چاپ شاهنامه در نه جلد در همان سال آغاز شد و در اساس متن الف. الف. ولرس (سالهای ۱۸۷۹-۱۸۷۷ م) که در اساس نسخه تحریر بایسنقری صورت گرفته از جانب دانشمند معروف ایران سعید نفیسی تدوین و نشر گردید مرتبان نشر کامل اثر بهرام سیروس، کمال عینی و ظاهر احراری، علی دیوانه قلاف بودند. در سال ۱۹۶۷ م کار آماده نمودن شاهنامه در نه جلد به اتمام رسید. ناگفته نماند که در برگردان به الفبای کریل بعضی مشکلات زبانی پیش آمد که قافیه و حتی وزن را خلل دار می‌کرد.

در جریان آماده نشر نمودن شاهنامه در نه جلد، یک تعداد واژه‌هایی پیدا شد که برای خوانندگان چندان آشنا نبود و نوشتن درست این کلمه‌ها طبق دستور فرهنگهای معروف چون: برهان قاطع، لغت شاهنامه عبدالقادر بغدادی، فرهنگ نفیسی، فرهنگ معین، فرهنگ عمید، لغت مختصر رضازاده شفق، صورت گرفت.

در نشر نامبرده نسخه‌های ذیل شاهنامه مورد استفاده قرار گرفت:

۱ - شاهنامه فردوسی؛ با تصحیح و اهتمام سعید نفیسی در ده جلد، تهران



- ۱۳۱۳-۱۳۱۴ ه. ش. - شاهنامه فردوسی، نسخه قلمی شماره سال ۱۶۵۴ م گنجینه دستنویسهای شرقی شعبه لنینگراد پژوهشگاه مردمان آسیا، فرهنگستان علوم شوروی.
- ۳ - شاهنامه فردوسی: نسخه قلمی که تحت شماره ۷۹۴ در گنجینه دستنویسهای شرقی پژوهشگاه میراث خطی فرهنگستان علوم تاجیکستان موجود است.
- ۴ - شاهنامه فردوسی، با تصحیح و مقابله محمد رضانی در پنج جلد، تهران ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ه. ش.
- ۵ - شاهنامه فردوسی، عکس دستنویس کتابخانه موزه بریتانیا، تحت شماره ۶۸ در گنجینه دستنویسهای شرقی تاجیکستان موجود است.
- ۶ - شاهنامه فردوسی، چاپ سنگی هندوستان، سال ۱۲۹۱ ه. ق. چون نسخه فرعی در بعضی موارد به کار آمد.
- باید متذکر شد که در نشر اول طبق نقشه قبلی نباید فرهنگ لغت شاهنامه به صورت کتاب جداگانه چاپ می شد و آن را باید پژوهشگاه زبان و ادبیات موسوم به رودکی آماده چاپ می کرد. اما به سببهای نامعلوم این کار به انجام نرسید.
- با در نظر داشتن خواهش و درخواست خوانندگان و پژوهندگان شاهنامه قرار یونسکو دوباره کار به نشر آماده نمودن شاهنامه، آغاز شد و در این نوبت نیز تهیه و نشر آن به عهده کمال عینی و ظاهر احراری افتاد و در نشر جدید قبل از همه ضرورت اصلاح نواقصی پیش آمد که در چاپ اول رخ داده بود و از این رو متن اصلی یک بار دیگر با متون نسخه در بالا ذکر شده مقابله شد و آخرین نشر تهران که از جانب گروه دانشمندان ایران در سال ۱۳۵۰ ه. ش. (۱۹۷۲ م) به انجام رسیده بود، استفاده گردید و



فرقهای این نسخه در حواشی با علامت شرطی «م» اشاره کرده شد. در این نشر در بعضی اسامی اشخاص اماکن و طرز نوشت بعضی واژه‌ها تجدید نظر به عمل آمد همین طور نه جلد شاهنامه به نشر رسید و در اختیار خوانندگان و عاشقان این اثر جاویدان در خارج کشور نیز قرار گرفت. به نشر جدید شاهنامه فرهنگ لغت نیز همراه گردید که اساس آن چند سال قبل از سوی شادروان، الف. علی زاده گذاشته شده بود و با اهتمام ظاهر احراری و رئوف زاده دوباره تکمیل گردید و به عنوان فرهنگ مختصر شاهنامه چاپ شد. گلچینی از دریای اندرز و حکمت‌های شاهنامه نیز با کوشش کمال عینی و ظاهر احراری به عنوان اندرزنامه حکیم فردوسی با الفبای فارسی و کریل به طبع رسید. اکنون کتاب مؤلف این سطرها سیمای فردوسی در سخن پارسی آماده نشر می‌باشد. متن انتقادی شاهنامه از طرف دانشمندان پژوهشگاه زبان و ادبیات به نام رودکی و با همکاری خاورشناسان مسکو نیز به چاپ حاضر است و حتی جلد‌های اول و دوم آن به نشر رسیده است.

ناگفته نماند که داشتانهای جداگانه شاهنامه به زبان روسی در تاجیکستان، نشر گردیده است که این مسئله موضوع بحث و گفتگوی جداگانه‌ای می‌باشد.

می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که شاهنامه چون دیگر قسمت‌های میراث بزرگ علمی و فرهنگی، ما همواره باماست و دوش به دوش با فرزندان ما زندگی به سر می‌برد و با پرستاران نور و روشنایی، عدل و انصاف، صلح و دوستی، رفاقت و عاشقان میهن و میهن‌پرستی و مبارزان راه سعادت مردم خواهد بود و در تمام رشته‌های زندگی الهام‌بخش وارثان خویش می‌باشد و دل‌ها را با هم پیوند خواهد داد.